

دکتر مصطفی عمادزاده

# اثر آموزش زنان بر باروری

چکیده

شواهد گوناگون مؤید این حقیقت است که آموزش زنان به باروری کمتر آنان می‌انجامد. در واقع زنان تحصیلکرده علاقه‌مندند که خانواده کوچکتری داشته باشند، زیرا والدین تحصیلکرده به خدمات نیروی کار فرزندان هنگام جوانی و حمایت آنان در زمان بازنشستگی نیاز کمتری دارند. بنابراین در خانواده‌های تحصیلکرده، به پیشرفت تحصیلی فرزندان توجه بیشتری معطوف می‌گردد و مادران آموزش‌دیده در این میان از نقش مهمی برخوردارند.

از آنجا که زنان آموزش‌دیده مشارکت بیشتری در بازار کار دارند، هزینه فرصتی اوقات آنان به‌طور نسبی بالاست، و از آنجا که تربیت و پرورش فرزندان در خانواده‌های تحصیلکرده مستلزم صرف وقت بسیار است، زنان تحصیلکرده تمایل به فرزندان کمتری دارند و مایل‌اند که کیفیت فرزندان خود را جایگزین کمیت آنان نمایند. علاوه بر این از آنجا که مرگ و میر نوزادان و کودکان در خانواده‌های تحصیلکرده به‌طور نسبی کمتر و میزان ماندگاری بالاتر است، والدین می‌توانند به دقت تعداد فرزندان مورد علاقه خود را برنامه‌ریزی کنند. مادران تحصیلکرده از یک‌سو اطلاعات بیشتری درباره روشهای گوناگون جلوگیری از بارداری در اختیار دارند، و از دیگر سو از

این روشها به طور مؤثرتری استفاده می کنند. بنابراین زنان تحصیلکرده به شکل بهتری به برنامه های تنظیم خانواده پاسخ می دهند و دقت بیشتری در مهار باروری دارند.

هدف از این مقاله، تحلیل ارتباطی است که بین آموزش، سن ازدواج، بعد خانوار و باروری زنان وجود دارد. نتایج حاصل از اطلاعات نشان می دهد که آموزش، روش زندگی و تقاضا برای بچه دار شدن را تحت تأثیر قرار می دهد، به صورتی زنان با آموزشهای بیشتر خواهان فرزندان کمتر، و خانواده های کوچکتر هستند.

کلید واژه ها: آموزش زنان، باروری، بعد خانوار، تحولات جمعیتی، تنظیم خانواده، مشارکت زنان در بازار کار.

### مقدمه

یکی از شاخص های کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی هر جامعه، میزان تحصیلات مردم است، و امروزه مسلم شده که هر نوع تحول در ساختار جمعیتی مبتنی بر آموزش والدین و به ویژه مادران است (Shapiro, 2001). از آنجا که آموزش در ارزش ها، بینش ها و رفتار مردم تحول به وجود می آورد، اقتصاددانان بر این باورند که هر تغییری در ابعاد خانوار، کیفیت فرزندان و آینده شغلی آنان، مستلزم سرمایه گذاری در آموزش زنان است (Schultz, T.W., 1974). در ابعاد خرد نیز، تحصیلات زنان، مهمترین عامل در کاهش میزان باروری محسوب می شود، و شواهد مؤید این حقیقت است که زنان تحصیلکرده، خواهان خانواده های کوچکتر و با کیفیت بالاتری هستند (Becker, 1981). از آنجا که آموزش موجب کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان می شود، امروزه والدین می توانند با دقت بیشتری، تعداد فرزندان مورد علاقه خود را برنامه ریزی کنند. بدین ترتیب آموزش به کاهش باروری می انجامد، قدرت و استقلال نسبی زنان را در خانوار افزایش می دهد و بر مشارکت آنان برای برنامه ریزی در مورد کیفیت و کمیت فرزندان می افزاید.

هدف این مقاله آن است که تحلیل از تأثیر آموزش زنان بر باروری ارائه دهد، و نمایان سازد که چگونه سطح تحصیلات زنان در رفتار باروری آنان نقش مؤثر و حیاتی دارند. در این راستا، ابتدا نقش آموزش زنان در تحولات جمعیتی مورد مطالعه قرار می گیرد. سپس اثر آموزش زنان بر باروری مورد بررسی قرار می گیرد، و در پایان قبل از جمع بندی نتایج و ارائه پیشنهادها، به دیگر عواملی که باروری زنان را تحت تأثیر قرار می دهد، پرداخته خواهد شد.

### نقش آموزش زنان در تحولات جمعیتی

برخی معتقدند که مهمترین رسالت نظام آموزشی انتقال دانش و ارتقای سطح تواناییهای شناختی است (عمادزاده،

۱۳۸۳). بعضی دیگر به نقش آموزش در توسعه مهارتها، تخصص ها و قابلیت ها اشاره می کنند و معتقدند که آموزش یکی از عوامل مهم تولید و ایجاد ثروت است (۱۹۷۴ MINCER). در این صورت، آموزش جوانان را برای بازار کار آماده می سازد. گروه دیگری اهمیت آموزش را در تحولات رفتاری ملاحظه می کنند و معتقدند که آموزش در رفتار جوانان تغییرات و تحولات شگرفی به وجود می آورد. آموزش در اجتماعی کردن جوانان، توسعه تواناییهای کار کردن با گروه و ایجاد نهادهای اجتماعی نقش مؤثری دارد. با توجه به چنین انتظاراتی از یک نظام آموزشی، آثار آموزش بر تمایلات باروری زنان مورد بررسی قرار می گیرد.

### آموزش، منبع ایجاد دانش

انتقال دانش از بارزترین وظایف مؤسسات آموزشی است. آموزش تواناییهای شناختی را توسعه می دهد، جوانان را آماده می سازد تا از دانش و اطلاعات موجود به نحو احسن استفاده نمایند و سبب می شود تا جوانان در رفتار و تعامل خود با محیط پیرامون متحول گردند.

آموزش از یک سو، دانش ایجاد روشهای پیشگیری از بارداری را توسعه می دهد، و بر تواناییهای مهار باروری می افزاید و از دیگر سو، موجب ارتقای سطح آگاهی زنان نسبت به انواع روشهای پیشگیری می گردد و کارایی استفاده از این ابزار را افزایش می دهد. آموزش زنان بدین ترتیب موجب توفیق بیشتر برنامه های تنظیم خانواده می شود، و در نهایت به کاهش باروری آنان می انجامد و این خود به کوچکتر شدن بعد خانوار منتهی می گردد (Thomas, 1999).

### آموزش، وسیله ای برای

### پیشرفت وضعیت اقتصادی و اجتماعی

آموزش نه تنها، تواناییهای شناختی را توسعه می بخشد، بلکه چشم اندازی از فرصتهای جدید اقتصادی به وجود می آورد و تحرک اجتماعی را دامن می زند (Montgomery, 1996). آموزش تواناییهای مهارتی و تخصصی را بهبود می بخشد و اشتغال جوانان را تسهیل می نماید. مدارک آموزشی که نشانه ای از سطح تواناییهای مهارتی جوانان است. به هنگام استخدام برای کار فرما به صورت وسیله ای برای گزینش به شمار می آید. علاوه بر این، آموزش موجب توسعه تواناییهای فردی می شود و به بالا رفتن سطح درآمدها دامن می زند. در این شرایط آموزش، دو اثر متفاوت بر باروری دارد (2000 Kravdal). از یک سو والدین تحصیلکرده را قادر می سازد تا با ثروت بیشتری که به دست می آورند، فرزندان متعددی داشته باشند، و هزینه تربیت و پرورش آنها را بپردازند که در این صورت آموزش اثر مثبتی بر باروری دارد و از سوی

از آنجا که آموزش در ارزش ها، بینش ها و رفتار مردم تحول به وجود می آورد، اقتصاددانان بر این باورند که هر تغییری در ابعاد خانوار، کیفیت فرزندان و آینده شغلی آنان، مستلزم سرمایه گذاری در آموزش زنان است

دیگر آموزش بر قدرت ایجاد درآمد افراد می‌افزاید، و ارزش اوقات والدین را بالا می‌برد. از آنجا که برای خانواده‌های تحصیلکرده داشتن فرزند و تربیت آنها مستلزم صرف وقت است، در این شرایط فرزندان بیشتر، هزینه‌های فرصتی بالاتری را به خانوار تحمیل می‌کند. بنابراین خانواده‌های تحصیلکرده تلاش می‌کنند تا فرزندان کمتری به دنیا آورند، ولی این فرزندان بتوانند از پیشرفت تحصیلی و رشد کیفی بهتری برخوردار باشند. در این صورت آموزش، باروری را کاهش می‌دهد و رابطه منفی بین تحصیلات خانواده‌ها و رفتار باروری آنان مشاهده می‌شود. در مجموع می‌توان اظهار داشت که بجز خانواده‌های تحصیلکرده بسیار ثروتمند که فرزندان را برای مدیریت و اداره دارایی‌ها نیاز دارند و خواهان بچه‌های بیشتری می‌باشند، آموزش در بیشتر خانواده‌ها به دلیل هزینه فرصتی ارزش اوقات والدین تأثیر منفی بر باروری دارد و مشاهدات نیز گواه آن است که بیشتر خانواده‌های تحصیلکرده فرزندان کمتر دارند. (T.P. Schultz, ۱۹۹۴)

#### آموزش عامل تحول در رفتار

آموزش تحولات مهم و پایایی در افراد به‌وجود می‌آورد، و وسیله‌ای برای گذار از جامعه سنتی به جامعه پیشرفته به‌شمار می‌آید. آموزش عاملی است که موجب کم‌رنگ شدن تقدیرگرایی والدین می‌شود و مسؤلیت تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان را به‌عهده آنان واگذار می‌کند. آموزش حق انتخاب والدین را گسترش می‌دهد و موجب تحول در نظام ارزشی آنان می‌شود، ساختار قدرت در محدوده خانواده را متحول می‌سازد و بر سهم زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری می‌افزاید (شادی‌طلب، ۱۳۸۲). آموزش دیدگاه جوانان را نسبت به اندازه خانوار، کمیت و کیفیت فرزندان و آینده شغلی آنان دگرگون می‌نماید. والدین امروز که بیش از گذشته شاهد تغییر و تحول بوده‌اند، بسیاری از سنت‌ها را زیر سؤال برده و نسبت به باروری دیدگاه متفاوتی دارند. آنان طرفدار خانوارهای کوچکتر و پویاترند. بدین ترتیب، آموزش زنان تحولات مهمی در نظام آموزشی آنان به‌وجود می‌آورد، که ثمره آن کاهش باروری و داشتن فرزندان کمتر است.

در مجموع می‌توان پنداشت که نظام آموزشی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، دانش و اطلاعات عمومی و کاربردی بسیاری را در اختیار زنان قرار می‌دهد، و زمینه استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری را تسهیل می‌نماید. زنان تحصیلکرده ارزش اوقاتشان بیشتر است و هزینه فرصتی بچه‌دار شدن برای آنها بالاتر است. آموزش با ایجاد تحول در ساختار ارزش‌ها سبب شده تا والدین خواهان فرزندان

آموزش از یک‌سو، دانش ایجاد روش‌های پیشگیری از بارداری را توسعه می‌دهد، و بر توانایی‌های مهار باروری می‌افزاید و از دیگر سو، موجب ارتقای سطح آگاهی زنان نسبت به انواع روش‌های پیشگیری می‌گردد و کارایی استفاده از این ابزار را افزایش می‌دهد.



کمتر و با کیفیت بهتر باشند. آموزش روش زندگی را متحول ساخته و موجب شده تا والدین طرفدار خانواده‌های کوچکتر و پویاتری باشند. مجموعه این شرایط به کاهش باروری و محدود شدن رشد جمعیت دامن زده است.

### اثر آموزش زنان بر باروری

این سؤال همواره مطرح بوده که چگونه آموزش زنان موجب کاهش باروری خواهد شد. نخست آنکه، آموزش زنان، آنان را قادر می‌سازد تا بتوانند اندازه مطلوب خانوار خود را از قبل تعیین کنند. دوم آنکه آموزش زنان شرایطی را فراهم می‌آورد که آنان بتوانند بین اندازه مطلوب خانوار و تعداد فرزندان برنامه‌ریزی شده به تعادلی دست یابند، و نهایت آنکه آموزش زنان، آنان را قادر می‌سازد که به تعداد فرزندان مورد علاقه و برنامه‌ریزی شده دست یابند. با این مقدمه اکنون به شرح نکات فوق می‌پردازیم.

### آموزش زنان و کاهش بعد خانوار

به نظر می‌آید که آموزش زنان به دلایل زیر بتواند اندازه خانوار را کاهش دهد.

الف - آموزش زنان، تواناییهای شناختی و مهارتی آنان را ارتقا می‌دهد و موجب بالا رفتن درآمد آنان در بازار کار می‌گردد. افزایش دستمزد زنان در بازار کار به خودی خود موجب بالا رفتن هزینه فرصتی اوقات آنان خواهد شد. زنان تحصیلکرده، اگر بخواهند فرزندان بیشتری داشته باشند، بی‌شک فرصتهای مناسبی را در بازار کار از دست می‌دهند، و بدین ترتیب هزینه فرصتی بالاتری را تحمل می‌کنند. این مسأله موجب می‌شود تا زنان تحصیلکرده فرزندان کمتری به دنیا آورند.

ب - در برخی از کشورهای در حال توسعه خانوارها هنوز داشتن فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دهند، زیرا فرزندان پسر در دوره جوانی با کار خود بر درآمد خانوار می‌افزایند، اعتبار اجتماعی خانوار را بالا می‌برند، و در هنگام بازنشستگی والدین، عصای دست پدر هستند و از والدین حمایت مالی می‌کنند. زنان تحصیلکرده وابستگی کمتری به فرزندان پسر دارند، زیرا خود کار می‌کنند و نیازی به حمایت مالی فرزندان ندارند. (Castro Martine, ۱۹۹۵) این مسأله سبب می‌شود تا زنان فرزندان کمتری به دنیا آورند و بعد خانوار آنان کاهش یابد.

ج - انتظار زنان تحصیلکرده از فرزندان متفاوت است. مادران تحصیلکرده تمایل دارند تا فرزندان توانا و صالحی به جامعه ارائه دهند. به همین سبب علاقه‌مندند تا با سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و صرف وقت شاهد موفقیت‌های بیشتر فرزندان خود باشند. علاوه بر آنکه والدین تحصیلکرده نیاز به درآمد فرزندان ندارند، بلکه آنان تمایل

دارند تا آنجا که لازم است در آموزش فرزندان سرمایه‌گذاری کنند و شاهد پیشرفت تحصیلی آنان باشند. مادران آموزش‌دیده حاضرند زمان زیادی را صرف تربیت و پرورش فرزندان خود کنند. بدین ترتیب سرمایه‌گذاری پولی و فرصتی در فرزندان در مجموع سبب شده تا والدین، فرزندان کمتر را به فرزندان بیشتر ترجیح دهند و به کیفیت فرزندان و موفقیت آتی آنان بیندیشند. این امر باعث کاهش باروری زنان تحصیلکرده شده است.

د - زنان تحصیلکرده از هنجارهای پیشرفته اجتماعی و فرهنگ شهری مبتنی بر کوچکتر کردن بعد خانوار بیشتر تبعیت می‌کنند. آنها نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده پذیرش بیشتری دارند و از روشهای پیشگیری از بارداری به شکل بهتری استفاده می‌کنند و نتایج بهتری به دست می‌آورند. (Weinberger, ۱۹۸۷)

### آموزش و اندازه مطلوب خانوار

از آنجا که زنان تحصیلکرده نکات بهداشتی را بهتر رعایت می‌کنند. عموماً از عوارض بیماریها اطلاعات بیشتری دارند و سریع‌تر به پزشک مراجعه می‌کنند، و معمولاً میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان در این گونه خانوارها کمتر است. بدین ترتیب زنان تحصیلکرده می‌توانند تا حدود زیادی بعد خانوار مطلوب خود را از نظر تعداد فرزندان از قبل پیش‌بینی کنند و فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند، زیرا اطمینان دارند که احتمال کمتری دارد که فرزندانشان به علت بیماری تلف شوند (عمادزاده، ۱۳۸۲). بنابراین تحصیلات زنان در بعد خانوار و تعداد مطلوب فرزندان تأثیر می‌گذارد.

### آموزش زنان و تعداد مطلوب فرزندان

در نهایت آنکه آموزش زنان کمک می‌کند تا آنها بتوانند به تعداد فرزندان برنامه‌ریزی شده دست یابند. به‌ویژه آنکه زنان تحصیلکرده هم از دانش روشهای پیشگیری آگاه‌ترند و هم آنکه در چارچوب خانواده از قدرت بالاتری برخوردارند و قادرند در مورد انتخاب روشها و کارایی آنها با شوهران خود به بحث و گفت‌وگو بپردازند. تجارب برخی از کشورها، از قبیل هند، نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات و کاربرد روشهای پیشگیری از بارداری ارتباط مستقیمی وجود دارد.

از این مباحث نتیجه می‌گیریم که زنان تحصیلکرده نه تنها دارای اهداف باروری متفاوتی می‌باشند، بلکه قادرند تمایلات خود را به نحو بهتری به واقعیت تبدیل کنند و به آنها جامه عمل ببوشانند. آنان در اتخاذ تصمیم از استقلال بیشتری برخوردارند و مدیریت بیشتری بر باروری خود اعمال می‌کنند. آموزشی که زنان دریافت می‌کنند به آنان مهارت‌های فکری و عملی می‌بخشد و موجب می‌شود تا در چارچوب خانواده از موضع بالاتری نسبت به گذشته برخوردار باشند و حق انتخاب بیشتری داشته باشند.

زنان تحصیلکرده،  
اگر بخواهند  
فرزندان بیشتری  
داشته باشند،  
بی‌شک فرصتهای  
مناسبی را در بازار  
کار از دست  
می‌دهند، و بدین  
ترتیب هزینه  
فرصتی بالاتری را  
تحمل می‌کنند.  
این مسأله موجب  
می‌شود تا زنان  
تحصیلکرده  
فرزندان کمتری به  
دنیا آورند.

### اثر آموزش زنان بر مشارکت آنان در بازار کار

کیفیت و کمیت تحصیلات زنان بر مهارت‌ها و تخصص‌های ایشان افزوده و تقاضا برای نیروی کار آنها را در بازار افزایش داده است. بنابراین از یک سو بر قدرت تولید و درآمد زنان می‌افزاید، و از سوی دیگر، ارزش اقتصادی اوقات آنان را در بازار کار بالا می‌برد. این امر موجب می‌شود تا زنان تحصیلکرده مشارکت بیشتری در بازار کار داشته باشند، و وقت کمتری را صرف فعالیتهای خانه‌داری و بچه‌داری که امروزه به تدریج زمان بر شده است بکنند.

در این دو بخش دو نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- ۱- چگونه تحصیلات از طریق کسب مهارت‌ها بر سهم و مشارکت نیروی کار زنان در بازار کار افزوده است.
- ۲- چگونه مشارکت در نیروی کار به دلیل بالا رفتن ارزش اوقات زنان سبب شده تا از میزان باروری آنان کاسته شود. شواهد موجود در برخی از کشورهای آسیایی که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که از سالهای ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ به تدریج بر سهم زنان در بازار کار افزوده شده و این امر از میزان باروری آنان کاسته است.

جدول شماره ۱- روند تغییرات میزان باروری کل و میزان مشارکت زنان در بازار کار منتخب از کشورهای آسیایی بین سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۵۰

نام کشور	میزان باروری	کل میزان مشارکت زنان در بازار کار (ستین ۱۵ - ۳۳)
اندونزی	۵/۴۹	۳۰/۶
۱۹۵۰	۵/۴۲	۳۲/۰
۱۹۶۰	۵/۲۰	۳۷/۱
۱۹۷۰	۴/۱۱	۴۵/۶
۱۹۸۰	۳/۰	۵۲/۰
۱۹۹۰	۲/۶۰	۵۵/۳
۱۹۹۹		
ژاپن	۲/۷۵	۵۲/۲
۱۹۵۰	۲/۰۲	۵۴/۰
۱۹۶۰	۲/۰۷	۵۴/۳
۱۹۷۰	۱/۷۶	۵۲/۱
۱۹۸۰	۱/۴۹	۵۶/۲
۱۹۹۰	۱/۳۹	۵۹/۶
۱۹۹۹		
سنگاپور	۶/۴۰	۲۲/۳
۱۹۵۰	۴/۹۲	۲۲/۹
۱۹۶۰	۲/۶۲	۳۱/۰
۱۹۷۰	۱/۶۹	۴۷/۴
۱۹۸۰	۱/۷۶	۵۴/۴
۱۹۹۰	۱/۵۷	۵۶/۳
۱۹۹۹		
کره جنوبی	۵/۴۰	۳۲/۱
۱۹۵۰	۵/۶۲	۳۰/۵
۱۹۶۰	۴/۲۸	۴۱/۲
۱۹۷۰	۲/۲۳	۵۰/۲
۱۹۸۰	۱/۷۰	۵۱/۱
۱۹۹۰	۱/۵۱	۵۰/۷
۱۹۹۹		

Sources: ILO (2002) & United Nation, Population Division (2002). Year book of Labour Statistics

از سوی دیگر، آموزش زنان موجب بالا رفتن سطح درآمد ایشان شده و بر هزینه فرصتی داشتن فرزندان بیشتر افزوده و این امر سبب شده تا از میزان باروری کاسته شود. جدول ۲ و ارتباط بین سالهای تحصیل و میزان باروری را برای برخی از کشورهای آفریقایی نمایان می‌سازد. اکنون با بررسی این شواهد می‌توان اظهار داشت که چنانچه تحصیلات زنان موجب افزایش اشتغال آنان شود، و در صورتی که اشتغال زنان زمینه کاهش میزان باروری آنان را فراهم آورد، و در این شرایط می‌توان نتیجه گرفت که تحصیلات زنان موجب کاهش باروری آنان می‌گردد. اگر چنین استدلالی درست باشد، آمار موجود حاکی از آن است که در کشور ما سطح متوسط تحصیلات زنان طی سه دهه گذشته ارتقا یافته و میزان اشتغال آنان نیز به تدریج افزایش پیدا کرده است. این مسأله سبب شده تا از میزان باروری زنان کاسته گردد.

جدول شماره ۲- ارتباط آموزش زنان و میزان باروری در سال ۱۹۹۰ در منتخبی از کشورهای آفریقایی

کشور	سطح آموزش	میزان باروری کل
بوتسوانا	بی سواد	۵/۸
	۱ تا ۴ سال	۵/۵
	۵ تا ۷ سال	۴/۷
	۸ سال و بیشتر	۳/۴
غنا	بی سواد	۶/۸
	۱ تا ۴ سال	۶/۶
	۵ تا ۷ سال	۶
	۸ سال و بیشتر	۵/۵
اوگاندا	بی سواد	۷/۹
	۱ تا ۴ سال	۷/۳
	۵ تا ۷ سال	۷
	۸ سال و بیشتر	۷/۵
زیمبابوه	بی سواد	۷/۲
	۱ تا ۴ سال	۶/۷
	۵ تا ۷ سال	۵/۵
	۸ سال و بیشتر	۳/۷
بروندی	بی سواد	۶/۹
	۱ تا ۴ سال	۷/۱
	۵ تا ۷ سال	۷/۳
	۸ سال و بیشتر	۵/۸
کنیا	بی سواد	۷/۲
	۱ تا ۴ سال	۷/۷
	۵ تا ۷ سال	۷/۲
	۸ سال و بیشتر	۵
نیجریه	بی سواد	۶/۵
	۱ تا ۴ سال	۷/۵
	۵ تا ۷ سال	۶
	۸ سال و بیشتر	۴/۵

Source: Dasgupta, Par the, April 2000 P.56.

بدین ترتیب سرمایه‌گذاری پولی و فرصتی در فرزندان در مجموع سبب شده تا والدین، فرزندان کمتر را به فرزندان بیشتر ترجیح دهند و به کیفیت فرزندان و موفقیت آتی آنان بیندیشند. این امر باعث کاهش باروری زنان تحصیلکرده شده است.

جدول شماره ۳- ارتباط میان میزان باسوادی زنان، درصد دانشجوی دختر، میزان مشارکت زنان در بازار کار و میزان باروری

سال	درصد باسوادی	درصد دانشجویان دختر	میزان مشارکت زنان در بازار کار	میزان باروری
۱۳۳۵	۷/۳	—	۹/۸	—
۱۳۴۵	۱۷/۹	۲۴	۱۳/۲۶	۷/۷
۱۳۵۵	۳۵/۵	۳۹/۸	۱۳/۷۷	۶/۳
۱۳۶۵	۵۲/۱	۳۹/۲	۸/۹۱	۷
۱۳۷۰	۶۷/۱	۲۸/۱	۹/۴۰	۵/۷
۱۳۷۵	۷۴/۲	۳۶/۱	۱۲/۱۱	۳/۱
۱۳۸۰	۷۶/۲	۴۹/۸	۱۳/۰	۲/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران سالنامه‌های سالهای گوناگون

با توجه به اطلاعات جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت که:

۱- باروری، به‌طور کلی تحت تأثیر تحصیلات زنان قرار دارد.

۲- تحصیلات، سن متوسط ازدواج دختران را بالا می‌برد و زمان ازدواج را به تأخیر می‌اندازد.

۳- آموزش زنان، به کسب مهارت‌ها و تخصص‌ها منجر می‌شود، و تقاضا برای نیروی کار زنان تحصیلکرده را در بازار افزایش می‌دهد و بر میزان مشارکت آنان در بازار کار می‌افزاید.

۴- آموزش زنان، سطح توانایی آنان را ارتقا می‌دهد و درآمد متوسط ایشان را افزایش می‌دهد. افزایش سطح درآمد زنان، ارزش اوقات آنان را بالا می‌برد و در پی آن بر هزینه‌های فرصتی بچه‌دار شدن می‌افزاید.

بنابراین می‌توان گفت که هر قدر سطح تحصیلات زنان بالاتر باشد، ۱- به دلیل تأخیر در زمان ازدواج، ۲- به علت مشارکت بیشتر در بازار کار، ۳- به دلیل بالا رفتن سطح درآمد و ارزش اوقات زنان و افزایش هزینه‌های فرصتی بچه‌دار شدن، از میزان باروری زنان کاسته می‌شود.

### اثر آموزش بر سایر عوامل

به نظر می‌رسد که بجز آموزش زنان عوامل دیگری نظیر، سطح آموزش شوهر، درآمد خانوار، سطح بهداشت عمومی و شیوه‌های شهرنشینی باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اکنون به شرح اجمالی این عوامل می‌پردازیم. (Kravdal, ۲۰۰۰)

### اثر آموزش شوهر

همان‌گونه که آموزش بینش و طرز تفکر زنان را نسبت به باروری تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همان صورت آموزش در

طرز تلقی مردان نسبت به باروری تحولات بسیاری را به‌وجود می‌آورد. مردان تحصیلکرده در پیشگیری از باروری با زنان همکاری بیشتری دارند، و هزینه‌های فرصتی فرزندان بیشتر را به‌درستی در می‌یابند. لیکن به نظر می‌رسد که تأثیر آموزش مردان بر باروری کمتر از زنان باشد. زیرا زنان بیشترین مسؤلیت بچه‌داری و تربیت آنان را به عهده دارند. بیشتر مطالعات انجام شده به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر تحصیلات زنان در کاهش باروری بیش از تحصیلات مردان بوده است. لیکن به هر حال تحصیلات مردان نیز در کاهش باروری نقش مؤثر دارد و مردان تحصیلکرده عموماً در تعیین تعداد فرزندان با همسران خود همدل و هماهنگ می‌باشند.

### اثر در آمد خانوار

بررسی تأثیر میزان درآمد خانوار بر باروری پیچیده‌تر از تأثیر تحصیلات است. در واقع مسأله تأثیر درآمد بر باروری را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت مورد مطالعه قرار داد.

الف - آیا فرزندان نوعی هزینه‌اند یا منشأ درآمدهای اضافی به‌شمار می‌آیند؟ اثر درآمد بر باروری بستگی به آن دارد که آیا فرزندان بار اقتصادی‌اند، و یا یک دارایی مولد به‌شمار می‌آیند. در کشورهای توسعه یافته امروزه تمایل بر آن است که فرزندان را به‌صورت یک کالای مصرفی بادوام، به حساب آورند. و بدین ترتیب به هزینه فرزندان و تعامل بین کیفیت و کمیت آنها پرداخته می‌شود. بدین معنی که در این‌گونه جوامع خانوار ترجیح می‌دهد تا فرزندان کمتر، ولی با کیفیت بالاتری داشته باشد. در این چارچوب درآمدهای بالاتر خانوار موجب می‌شود تا فرزندان «قابل تحمل» باشد. لیکن درآمدهای کمتر بی‌شک خانوار را به مهار باروری هدایت می‌کند. در خانوارهایی که سطح درآمد پایین است، هنگام افزایش درآمد والدین ترجیح می‌دهند تا کیفیت فرزندان را جایگزین کمیت آنان بنمایند. از سوی دیگر، چنانچه درآمدهای بالاتر مستلزم تحمل هزینه‌های فرصتی بیشتر باشد، در آن صورت والدین ترجیح می‌دهند که فرزندان کمتری به دنیا آورند.

در کشورهای در حال توسعه، برای برخی از والدین هنوز، فرزندان جنبه دارایی مولد دارند. زیرا کودکان در سنین جوانی بر منابع انسانی و قدرت نیروی کار خانوار می‌افزایند، و مشارکت بسیاری در تولید دارند و در هنگام بازنشستگی والدین، تأمین اجتماعی آنان به‌شمار می‌آیند. در این صورت خانوارهای کم‌درآمد ترجیح می‌دهند که فرزندان بیشتری داشته باشند. برعکس، زمانی که خانوار از درآمدهای بالاتری برخوردار گردد و وابستگی اقتصادی والدین به

فرزندان کاهش یابد، والدین با افزایش درآمد علاقه‌مندند که فرزندان کمتر به دنیا آورند. در واقع این مفهوم که فرزندان یک دارایی اقتصادی به‌شمار می‌آیند، «قابل تحمل بودن» فرزندان را برای خانوار به اوج خود می‌رساند. بدین معنی که اثر درآمدی مثبت را بر باروری نمایان می‌سازد.

ب - آیا درآمد خانوار ناشی از دستمزد است؟ یا حاصل دارایی و ثروت خانوار می‌باشد؟ در واقع اثر درآمد خالص در دنیای واقعی پیچیده است. چنانچه بتوان منشأ درآمد را تعیین نمود، تحلیل مسأله ساده‌تر خواهد شد. برای مثال چنانچه درآمدهای بالاتر منعکس‌کننده دستمزدهای بالاتر باشد، و یا مؤید مشارکت بیشتر زنان در بازار کار باشد، در این صورت خانوار فرزندان کمتر می‌خواهد، زیرا هزینه فرصتی ارزش اوقات والدین بالا می‌باشد. و در این حالت رابطه بین درآمد و باروری منفی است. از سوی دیگر، چنانچه درآمدهای بالاتر منعکس‌کننده بر خورداری از دارایی‌ها و ثروت‌های مولد همچون زمین و مستغلات باشد. در این حالت چنین ثروتهایی موجب بالا رفتن محصول نهایی نیروی کار فرزندان می‌گردد و در چنین خانوارهایی تقاضا برای فرزندان بالاتر است. در این صورت ارتباط بین درآمد و باروری مثبت است. متأسفانه هنگامی که اثر درآمد بر باروری مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منابع درآمدی متمایز نمی‌شوند و داده‌های آماری در این موارد به‌طور شفاف وجود ندارند.

#### اثر بهداشت عمومی بر کاهش باروری

دسترسی به خدمات بهداشت عمومی، فارغ از تأثیر آموزش و درآمد نیز می‌تواند در کاهش باروری نقش مهمی داشته باشد. بهداشت عمومی جدا از اثر مستقیمی که در دسترسی آسان به جلوگیری از بارداری دارد، می‌تواند با افزایش میزان ماندگاری فرزندان موجب کاهش باروری گردد. به هر حال این آثار ممکن است هنگامی که کیفیت خدمات بهداشتی پایین باشد، ناچیز و بی‌اهمیت گردد. از سوی دیگر روش‌های تحمیلی و اجباری نیز می‌تواند غیر کارآمد باشد. تجربه عقیم کردن مردان در بسیاری از کشورها تأثیر چندانی نداشته است. افراد باید مسؤول و آگاه باشند و نسبت به تعداد فرزندان با دقت تصمیم بگیرند. در این مورد روش‌های فرهنگی و آموزشی از کارایی بالاتری برخوردار است.

#### اثر زندگی در جامعه شهری بر کاهش باروری

شواهد مؤید آن است که زندگی در جوامع شهری بر باروری زنان تأثیر می‌گذارد. (Schultz T.P, ۱۹۹۴)

بنابراین می‌توان گفت که هر قدر سطح تحصیلات زنان بالاتر باشد، ۱- به دلیل تأخیر در زمان ازدواج، ۲- به علت مشارکت بیشتر در بازار کار، ۳- به دلیل بالا رفتن سطح درآمد و ارزش اوقات زنان و افزایش هزینه‌های فرصتی بچه‌دار شدن، از میزان باروری زنان کاسته می‌شود.

۱- زیرا در چارچوب زندگی شهری فرزندان مشارکت کمتری در تولید خانگی دارند و خانوار نظارت کمتری بر کار و تلاش فرزندان دارند. کودکان عموماً یا درس می‌خوانند و یا ساعت زیادی را صرف تفریح و بازی می‌کنند.

۲- دسترسی بیشتر به پزشکی و درمانگاه در جامعه شهری موجب کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان شده و بالا رفتن میزان ماندگاری سبب شده تا خانوارها بتوانند با دقت بیشتری تعداد فرزند خود را برنامه‌ریزی کنند. بدین ترتیب میزان باروری در شهرها کاهش می‌یابد.

۳- از آنجا که خانوارها در جامعه شهری در بسیاری از موارد به صورت سرمشقی برای جامعه روستایی به‌شمار می‌آیند، کوچکتر شدن خانوارها و کاهش باروری، تأثیر عمده‌ای در روش زندگی خانوادگی روستاییان به‌وجود می‌آورد.

۴- افول خانوارهای پدسالار و قدرت یافتن زنان در چارچوب خانوار موجب کاهش میزان باروری بوده است.

۵- کاهش زندگی عشیره‌ای و تحول در شیوه زندگی عشایر و ساکن شدن آنها، ساختار خانوادگی آنها را درهم ریخته و رفتن کودکان و جوانان به مدرسه و دانشگاه و تحول در ساختار شغلی مردان و مشارکت بیشتر زنان در مشاغل شهری نیز موجب کاهش میزان باروری گردیده است.

۶- از سوی دیگر در جامعه شهری که عموماً بیمه‌های تأمین اجتماعی قابل تسری است و فرزندان بعد از ازدواج کمتر با والدین زندگی می‌کنند، به تدریج اولویت داشتن فرزندان ذکور کاهش می‌یابد و برابری جنسیتی از دیدگاه خانوار سبب می‌شود تا والدین فرزندان کمتری داشته باشند و نرخ باروری کاهش می‌یابد.

**بدین ترتیب سرمایه‌گذاری پولی و فرصتی در فرزندان در مجموع سبب شده تا والدین، فرزندان کمتر را به فرزندان بیشتر ترجیح دهند و به کیفیت فرزندان و موفقیت آتی آنان بیندیشند. این امر باعث کاهش باروری زنان تحصیلکرده شده است.**

به‌وجود می‌آورد. از سوی دیگر، مادران بسیار جوان و یا مادران مسن دقت کمتری در رعایت بهداشت نوزادان و کودکان دارند. به‌خصوص در برخی از جوامع روستایی هنگامی که والدین علاقه بیشتری به داشتن فرزند پسر دارند، ممکن است در رعایت سلامت دختران ناخواسته دقت کمتری اعمال شود. به هر تقدیر مرگ و میر بیشتر فرزندان به باروری بیشتر منتهی می‌شود.

۲- به همین ترتیب، مشارکت بیشتر زنان در بازار کار موجب کاهش میزان باروری می‌گردد، زانی که به بازار کار مراجعه می‌کنند، به دلیل کسب درآمد، ارزش اوقاتشان افزایش می‌یابد و از آنجا که داشتن فرزند زمان‌بر است، هزینه فرصتی فرزندان بیشتر برای زنان شاغل بالاتر است. از سوی دیگر هر قدر تعداد فرزندان کمتر باشد، امکان اشتغال مادران تحصیلکرده در بازار افزایش می‌یابد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲).

۳- بالا رفتن سن ازدواج که عمدتاً ناشی از ادامه تحصیلات و اشتغال زنان است، امروزه موجب شده تا زنان دیرتر ازدواج کنند و نخستین فرزند خود را دیرتر به دنیا آورند (۱۹۹۴ Schultz.T.P). هر قدر سن ازدواج بالاتر رود احتمال می‌رود که زنان فرزندان کمتری را به دنیا آورند. از سوی دیگر امروزه توصیه می‌شود که زنان بعد از چهل سالگی باردار نشوند، بنابراین کوتاه بودن دوران باروری در مجموع موجب شده تا زنان فرزندان کمتری به دنیا آورند.

### نتیجه‌گیری

امروزه مسلم شده که باروری زنان تحت تأثیر آموزش آنان قرار دارد. در واقع آموزش زنان از سه طریق بر باروری اثر می‌گذارد:

۱- آموزش تقاضا برای فرزندان را کاهش می‌دهد. آموزش در اندازه مطلوب خانوار تأثیر می‌گذارد و روشهای پرورش و تربیت فرزندان را متحول می‌سازد. آموزش، مطالبه اقتصادی از فرزندان را کاهش می‌دهد و کوچکتر شدن بعد خانوار موجب ارتقای کیفیت افراد خانواده می‌گردد. آموزش هزینه فرصتی اوقات زنان را بالا می‌برد و بر هزینه داشتن فرزندان می‌افزاید.

۲- آموزش موجب می‌شود دختران، سالهای بیشتری در نظام آموزشی بمانند و بدین ترتیب سن ازدواج آنها بالاتر می‌رود. بالا رفتن سن ازدواج موجب می‌شود که از دوران باروری زنان کاسته گردد. از سوی دیگر مرگ و میر نوزادان و کودکان در خانواده‌هایی که مادران از تحصیلات بالاتری برخوردارند کمتر است. مرگ و میر کمتر نوزادان موجب کاهش باروری می‌گردد.

۳- آموزش زنان موجب می‌شود که آگاهی ایشان نسبت به

### اثر عوامل درونزا بر باروری

تاکنون به عواملی اشاره شد که تصور می‌رود باروری را تحت تأثیر قرار دهند. لیکن اکنون به عواملی اشاره می‌شود که باروری از آن تأثیر می‌پذیرد. به نظر می‌رسند، مرگ و میر نوزادان، مشارکت زنان در بازار کار و سن ازدواج زنان به‌صورت درونزا باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (T.P.Schultz, ۲۰۰۲)

۱- دلایل فراوانی وجود دارد که مرگ و میر نوزادان و کودکان باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین از بیم آنکه ممکن است بر اثر بیماریهای عفونی فرزندان را از دست دهند، پیش‌بینی می‌کنند تا فرزندان بیشتری را به دنیا آورند. آنها بدین ترتیب تلاش می‌کنند فرزندان از دست رفته خود را جبران کنند. از سوی دیگر میزان بالای باروری نیز احتمال دارد میزان مرگ و میر فرزندان را افزایش دهد. زیرا زایمان‌های پی در پی که فاصله میان باروری‌ها را کاهش می‌دهد در سلامتی مادران و فرزندان آثار سوویی را

انواع روشهای جلوگیری از بارداری افزایش یابد و آنها بتوانند به‌طور مؤثرتری از این روشها استفاده نمایند. مطالعات سازمان ملل متحد نشان داده است که ارتباط مستقیم و مستحکمی بین سالهای تحصیلی بیشتر زنان و کاهش میزان باروری آنان وجود دارد.

۴- آموزش زنان، دامنه انتخاب آنان را در مورد نوع شغلی که برمی‌گزینند و زمانی که صرف کار می‌کنند و فرصتی که برای تربیت فرزندان اختصاص می‌دهند، گسترده‌تر می‌سازد. آموزش در رفتار زنان در مورد مسائلی همچون تجدید نسل، تعداد فرزندان و کیفیت آنان تحول به‌وجود می‌آورد. همه عوامل فوق شریاطی را فراهم می‌آورد که باعث شود آموزش باروری زنان را کاهش دهد.

#### منابع

شادی‌طلب، زاله، (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی زنان»، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.  
 عمادزاده، مصطفی، (۱۳۸۲)، «اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان»، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.  
 عمادزاده، مصطفی، (۱۳۸۲)، اصول اقتصادی آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات جهاددانشگاهی، چاپ بیست و دوم، فصل دوم.

- Becker, G.S. (1960). "An Economic Analysis of Fertility", in Demographic and Economic Changes in Developed Countries, Princeton, NJ. Princeton University Press.

- Becker, G.S. (1981). "A Treatise on the Family", Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Castro Martin, T. and F. Juarez (1995). "The Impact of Women's Education on Fertility in Latin America: Searching For Explanation", Family planning perspectives vol 21, No 2, pp 24-35.

- Coal, A.J. and S.C. Watkins (eds) (1986). "The Decline of Fertility in Europe", Princeton NJ. Princeton university press.

- Dreze, J. and M. Murthi (1999). Fertility, Education and Development: Further Evidence from india", CDE. DeLhi school of Economics, Delhi 110007.

- Kravdal, O. (2000). "A Search for Aggregate-Level effects of education on fertility, Using Data from zimbabwe", Max Planck Institute for demographic Research, Germany, Vol 3, pp 41-49.

- Mincer, J. (1974). Schooling Experience and Earning", NewYork, Columbia university press.

- Montgomery, M.R. and J.B. Casterling (1996). "Social Learning, Social in fluence and New Models of fertility", Population and Development Review, 22 Suppl, pp 151-175.

- Schapiro, D and B.o. Tombashe (2001). "Women's Education Employment and Fertility: Kinshasa in Transition", Chicago, university of chicago press.

- Schultz, T.P. (1994a). "Human Capital, Family Planning and Their effects on Population Control", American economic Review, PP 255-260.

- Schultz, T.P. (1994b). "Investing in Women's Human Capital", Chicago, IL. University of Chicago press.
- Schultz, T.P. (2002). "The Fertility Transition: Economic Explanations", International Encyclopedia of social science, Smelser, N.J. and P.B. Baltes (eds) Amsterdam, Elsevier science Ltd.
- Schultz, T.W. (ed). (1974). "Economics of the Family", Chicago, university of chicago press P 16.
- Thomas, D. (1999). "Fertility, Education and Resources in South Africa", In C.H. Bledsoe, et al. (ed): "Critical Perspectives on Schooling and Fertility in the Developing World", Washington: National Academy press: pp 138-180.
- UNESCO (2001). "Achieving Education for All: Demographic Challenges", France: UNESCO.
- United Nations, (1984). "Fertility Behavior in the Context of Development: Evidence From the World Fertility Survy" NewYork.
- United Nations Population Division (2002). "Statistical Year Book", Table 4.1. P 56.
- Weinberget, M.B. (1987). "The Relation between Women's Education and Fertility: Selected Findings From the World Fertility Survey", International family Planning Perspectives, vol 13, pp 35-46.
- World Development Report (2001). World Development Indicators, Table 2.2. p 48.